

تحليل ضوابط ومعايير تمييز وإدراك الأطفال والمراهقين دراسة مقارنة مع فقه المذاهب الخمسة والقوانين الوضعية

امير باراني بيرانوند^١

عبدالله مختاري^٢

[تاريخ الاستلام: ١٤٠٣/٥٥/١٨؛ تاريخ القبول: ١٤٠٣/٥٦/١٩ - ش]

الملخص

إن مصطلح "التمييز" في لسان الفقهاء والحقوقيين يُستخدم عادةً للتفريق بين فئتين من الأطفال. ولكن ما هو الضابط والمعيار لتحديد تمييز الأطفال؟ في هذا البحث، باستخدام منهج بحث عملي - وصفي ومكتبي، ومع دراسة فقه المذاهب الخمسة، تم عرض معيارين للتمييز: "السن" و "الإدراك". ومع ذلك، فإن الضابط الأساسي في تحديد التمييز هو المعيار الإدراكي، والذي بموجبه يتمكن الطفل من فهم طبيعة الأفعال، والتمييز بين الحسن والقبيح، والمصلحة والضرر. يرى غالبية فقهاء أن سن السابعة هي بداية سن التمييز، كما أن في بعض القوانين يُعتبر هذا السن معياراً. وقد أشارت الروايات إلى أهمية تعليم الحلال والحرام للطفل، وأن بداية تعلم الطفل تكون في سن سبع إلى عشر سنوات. ومن مجمل ما ورد في لسان الفقهاء والروايات، فإن مستوى إدراك الطفل وفهمه هو المعيار. ولكن بما أن تحديد هذا الأمر صعب من جهة، ويختلف من طفل لآخر من جهة أخرى، فإن التشريع في هذا الصدد يتطلب ضابطاً موحداً. وبالتالي - مع الحفاظ على المعيار الإدراكي كما ورد في المادة ٩١ من قانون العقوبات الإيراني - فإن سن السابعة للعبادات وسن العاشرة للمعاملات هما بداية سن التمييز. ولذلك، قيل إن "عبادات الطفل مشروعة"، ولكن نظراً لأن الأطفال لا يدركون النتائج الاجتماعية لأفعالهم، فإن معاملات الأطفال، باستثناء الهبة، باطلة وبلا أثر وفقاً للمادتين ١٢١٢ و ١٢١٥ من القانون المدني. وبنفس السبب، ووفقاً للمادة ١٤٦ ومضمون المادة ٩١ من قانون العقوبات، فإن الأطفال معفون من المسؤولية الجنائية.

كلمات مفتاحية: التمييز، الإدراك، الصبي المميز، حدود التمييز، الأطفال والمراهقون، المذاهب الخمسة

١. خريج ماجستير في الفقه والحقوق الخاصة، جامعة الشهيد مطهري، طهران، إيران (المؤلف المسؤول) a.barani1990@gmail.com

٢. خريج دكتوراه في الفقه والحقوق الجزائية، جامعة الشهيد مطهري، طهران، إيران abdullahmokhtari123@yahoo.com

بررسی ضابطه و ملاک تشخیص ادراک و تمییز اطفال و نوجوانان (تطبیقی با فقه مذاهب خمسّه و قوانین موضوعه)

امیر بارانی بیرانوند^۱، عبدالله مختاری^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹]

چکیده

اصطلاح «تمییز» در لسان فقیهان و حقوقدانان همواره فارق بین دو دسته کودکان است. اما ضابطه و ملاک تشخیص تمییز کودکان چیست؟ در این پژوهش با روش تحقیق کاربردی - توصیفی و کتابخانه‌ای و با توجه به بررسی فقه مذاهب خمسّه، برای تمییز دو معیار «سنی» و «شناختی» بیان شده است. با این وجود ضابطه اساسی در تعیین و تشخیص تمییز، معیار شناختی است که بر اساس آن کودک به درک ماهیت افعال، حسن و قبح امور، سود و زیان خود نایل می‌شود. فقیهان عامه بیشتر سن هفت سال را آغاز سن تمییز می‌دانند؛ همچنین در برخی از قوانین وضع شده همین سن ملاک عمل قرار گرفته است. در روایات به جنبه تعلیم حلال و حرام و آغاز یادگیری کودک در سنین هفت تا ده سال اشاره شده است. مجموع لسان فقیهان و روایات میزان درک و شعور کودک را ملاک می‌داند؛ اما از آنجاکه تشخیص این موضوع از یک سو مشکل و از کودکی به کودک دیگر متفاوت است، از طرف دیگر قانون‌گذاری در این باره یک ملاک واحد را می‌طلبد؛ در نتیجه - با حفظ معیار شناختی به مانند ماده ۹۱ ق.م.ا - سن هفت سال در عبادات و سن ده سال در معاملات آغاز سن تمییز خواهد بود؛ از این رو «عبادات کودک شرعیت دارد»؛ ولی از آنجاکه درباره تبعات اجتماعی عمل خود درکی ندارند، بر اساس مواد ۱۲۱۲ و ۱۲۱۵ قانون مدنی معاملات آنها - جز تملک بلاعوض - باطل و بی اثر است در امور جزئی نیز به همین دلیل و بر اساس ماده ۱۴۶ و مفاد ماده ۹۱ ق.م.ا کودکان مبرا از مسئولیت کیفری هستند.

کلیدواژه‌ها: تمییز، ادراک، صبی ممیز، ضابطه تمییز، اطفال و نوجوانان، مذاهب خمسّه

۱. خریج ماجستير في الفقه والحقوق الخاصة، جامعة الشهيد مطهری، طهران، ایران (المؤلف المسؤول) a.barani1990@gmail.com

۲. خریج دكتوراه في الفقه والحقوق الجزائية، جامعة الشهيد مطهری، طهران، ایران abdullahmokhtari123@yahoo.com

مقدمه

توجه تکالیف به انسان منوط به بلوغ است؛ از این رو انسان بالغ را مکلف گویند. در مقابل شخص بالغ، صبی قرار دارد؛ صبی کسی است که به حد بلوغ نرسیده است. صبی بر دو قسم است: ۱. صبی ممیز: یعنی صغیری که بتواند نفع و ضرر خود را تشخیص دهد، صبی ممیز است. ۲. صبی غیرممیز: کودکی که فاقد این قوه تشخیص باشد، صبی غیرممیز است (فخرالمحققین حلی، ۱۳۸۷هـ، ج ۴، ص ۴۱۷).

به اتفاق فقیهان، کودک غیرممیز مشمول هیچ حکمی از احکام تکلیفی هرچند مستحبی قرار نمی‌گیرد؛ زیرا توانایی قصد کردن و تشخیص امور را ندارد و نمی‌تواند مفاهیم را درک کند؛ ولی کودک ممیز مشمول برخی از احکام اعم از احکام تکلیفی، استحبابی و حقوقی می‌شود (انصاری شیرازی، ۱۴۲۹هـ، ج ۶، ص ۱۱۰۳).

مراحل عمر انسان به پنج دوره تقسیم شده است: ۱. جنین؛ ۲. طفولیت؛ ۳. تمییز؛ ۴. بلوغ؛ ۵. رشد (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳هـ، ج ۱۹، ص ۱۵۶). کودک در دوره سوم قابلیت و قدرت پیدا می‌کند که خیر را از شر و حسن را از قبیح، نفع را از ضرر گرچه به طور اجمالی و جزئی و سطحی تشخیص دهد. صبی ممیز از نظر فقهی دارای ظرف و ادراکی است که به اجمال خطاب شرعی، معانی عبادات و معاملات و نتایج آن را درک می‌کند (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۹هـ، ج ۱۹، ص ۱۶۰).

درباره زمان آغاز این مرحله میان فقیهان اختلاف نظر وجود دارد. آنچه در جامعه امروزی مشاهده می‌شود این است که افعال و اعمال صبی به ویژه معاملاتی که انجام می‌دهد یا جرم و جنایتی که مرتکب می‌شود، در فرضی که دارای تمییز باشد (صبی ممیز)، آثار و احکامی دارد که این آثار و احکام بر افعال و اعمال صبی غیرممیز مترتب نیست (نجفی، ۱۴۰۴هـ، ج ۳۵، ص ۲۵۵)؛ اما نکته مهم تشخیص تمییز و حدود آن است.

بنابراین بازشناسی ماهیت تمیز و حدود تمیز و چگونگی تشخیص و احراز آن نکته‌ای است که در ترتب این آثار و احکام نقش اساسی دارد. در واقع در مقام اثبات، تمیز باید احراز گردد و سپس آثار و احکام بر آن مترتب شود. از منظر حقوقی نیز در مقام دعاوی حقوقی مثل دعاوی خانوادگی یا دعاوی جزائی و دادگاه اطفال و نوجوانان تعیین حدود تمیز نقش آفرین است. پرسش اساسی این تحقیق آن است که ضابطه و ملاک تشخیص تمیز چیست؟ در این پژوهش که بر اساس هدف، کاربردی و بر اساس ماهیت، توصیفی و بر اساس روش، به گونه جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های کتابخانه‌ای است، ابتدا حدود تمیز از روایات و عبارات فقیهان عامه و خاصه بیان می‌شود و سپس تمیز در قوانین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. ضابطه تمیز در فقه مذاهب خمس

۱-۱. ضابطه سنی

یکی از معیارها و ضوابط بیان شده برای تمیز، معیار سنی است. برخی فقیهان امامیه از جمله شیخ طوسی و علامه سن خاصی را برای تمیز ارائه داده‌اند؛ این سن در کلمات برخی هفت و هشت سالگی و برخی ده سالگی معرفی شده است (طوسی، ۱۳۸۷ هـ، ج ۶، ص ۳۹). شیخ طوسی در خلاف نیز همین مطلب را بیان می‌کند (طوسی، ۱۴۰۷ هـ، ج ۵، ص ۱۳۱). سلار در کتاب مراسم می‌نویسد: «صبی غیربالغ بر دو قسم است: ۱. صبی غیربالغ که به سن ده سالگی رسیده؛ ۲. صبی زیر ده سال است...» (دیلمی، ۱۴۰۴ هـ، ص ۲۰۳). شیخ در نهاییه و فقیهان دیگر نیز ده سال را معرفی می‌کنند (طوسی، ۱۴۰۰ هـ، ص ۵۱۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۷، ص ۳۶۰؛ فخرالمحققین حلی، ۱۳۸۷ هـ، ج ۴، ص ۴۱۷؛ عاملی، ۱۴۱۱ هـ، ج ۲، ص ۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۳۵، ص ۲۵۵؛ حلی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱، ص ۳۷۱).

معیار سنی تمییز در فقه اهل سنت نیز مطرح است؛ بیشتر فقیهان اهل سنت، آغاز سن تمییز را هفت سالگی می‌دانند (بهوتی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۶۴؛ شربینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۸؛ مرداوی، [بی‌تا]، ج ۹، ص ۴۳۰؛ سرخسی، ۱۴۱۴هـ، ج ۲۵، ص ۲۲)؛ اما برخی از شافعیه سن تمییز را هفت یا هشت سالگی می‌دانند (نووی، ۱۴۱۲هـ، ج ۳، ص ۱۳۴؛ شافعی، ۱۴۱۰هـ، ج ۶، ص ۱۱۷ - ۱۵۸؛ قرطبی، ۱۳۸۴هـ، ج ۳، ص ۱۶۴). زحیلی از قول مذهب حنفیه و مالکیه سن هفت سال را بیان می‌کند (الزحیلی، ۱۴۰۹هـ، ج ۶، ص ۴۴۶۷). اما نووی از فقیهان اهل سنت، تصریح می‌کند که تمییز بستگی به کودک دارد؛ در حقیقت برخی از کودکان در هفت سالگی، برخی زودتر و برخی حتی ده ساله یا بزرگ‌تر شوند، تمییز برای آنها حاصل نمی‌شود (نووی، ۲۰۰۵م، ج ۴، ص ۲۱۶). مستند دیدگاه فقیهان اهل سنت، روایاتی است از جمله «به کودکان در سن هفت سالگی نماز را یاد دهید». همچنین از رسول خدا (ص) روایت شده است: «فرزندان را در سن هفت سالگی به نماز تمرین دهید، در سن ده سالگی تنبیه کنید، و بین رختخواب آنان جدایی افکنید» (سرخسی، ۱۴۱۴هـ، ج ۵، ص ۱۲). چه بسا دلیل برخی از آنها این باشد که هفت سالگی کودک، آغاز بی‌نیازی و استقلال نسبی کودک در خوردن و آشامیدن و لباس پوشیدن است (ابن عابدین، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۵۳۰). شافعیه برای سن هفت سالگی به روایت «هرگاه کودک راست و چپ خود را تشخیص دهد، او را تمرین به نماز دهید»، استناد کرده‌اند (البانی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲).

قانون مدنی الجزایر به موجب ماده ۴۳ مقرر می‌دارد صبی ممیز شخصی است که سیزده سال را تمام کرده باشد. در ماده ۴۲ مقرر می‌دارد سن رشد نوزده سال است. مواد ۱۲۴۵ و ۱۲۱۰ قانون مدنی مصر نیز سن تمییز را هفت سال اعلام کرده است.

سنه‌وری صاحب الوسیط، دوره‌های طبیعی انسان از تولد تا مرگ را به سه دوره تقسیم کرده است: ۱. از ولادت تا سن تمیز؛ ۲. از سن تمیز تا سن بلوغ؛ ۳. از سن بلوغ تا مرگ. سپس ذیل مواد ۱۲۴۵ و ۱۲۱۰ قانون مدنی مصر بیان می‌دارد: «یعنی سن تمیز هفت سال معین می‌گردد؛ هر کسی که به هفت سالگی نرسیده است، فاقد تمیز است؛ در نتیجه اهلیت ندارد و صغیر غیر ممیز حق تصرف در مال خود را نداشته و جمیع تصرفات او باطل است». در اینجا دو نکته گفتنی است؛ اگر بنا به ذکر معیار سنی برای تمیز است، چرا در این معیار تفاوت وجود دارد؟ پاسخ آن است که محدوده سنی تعارضی ندارد؛ زیرا منظور از سن هفت یا هشت سالگی در تمیز، ابتدا و آغاز تمیز است و کودک در آغاز از تمیز ابتدایی برخوردار است، همین مقدار تمیز در عبادات کفایت می‌کند؛ مثلاً کودک هفت ساله که بتواند نماز را گرچه به گونه ساده درک کند، واجد تمیز است (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۰)؛ اما در معاملات آن مقدار تمیز در عبادات کفایت نمی‌کند. به عبارت دیگر معاملاتی چون طلاق، عتق، وصیت و صدقه که در مورد آنها به درجه بالایی از فهم نیاز است، با رسیدن به سن ده سالگی و بالاتر، مرحله تمیز آغاز می‌شود (انصاری شیرازی، ۱۴۲۹هـ، ج ۶، ص ۱۱۰۳)؛ ولی در مثل نماز این گونه نیست؛ زیرا برای بعضی از افراد فقط انجام آن کفایت می‌کند؛ از این رو رسیدن به سن هفت سالگی و حتی کمتر از آن کافی است. شاهد این جمع نیز کلام علامه در تذکره است (علامه حلی، ۱۴۱۴هـ، ج ۴، ص ۳۳۵). بنابراین همان طور که عبارات فقیهان گویای این مطلب است، هفت سالگی آغاز تمیز صبی است و در عبادات همین مقدار کفایت می‌کند. کودک در ده سالگی از تمیز مناسبی برخوردار است؛ بنابراین در معاملات سن ده سالگی معیار قرار داده شده است (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳هـ، ج ۱۹، ص ۱۶۰).

این قدامه در مغنی شبیه همان مطلبی را بیان می‌کند که علامه در تذکره (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳هـ، ج ۴، ص ۳۳۵) ذکر کرده است و می‌نویسد: «تمییز مقید به هفت سالگی شده است؛ چراکه این سن اولین وضعیتی است که شرع در آن امر به صلاة کرده است» (ابولحیه، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۴۰۱).

باید توجه داشت تمییز یک جنبه شناختی دارد؛ بنابراین نمی‌توان همواره سن را معیاری برای سنجش آن قرار داد. با این حال سن یک معیار غالبی است (نجفی، ۱۴۰۴هـ، ج ۲، ص ۲۰)؛ همان‌طور که در بلوغ نیز سن، یک معیار غالبی است (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳هـ، ج ۱۹، ص ۱۶۰). بنابراین ممکن است تمییز و بلوغ زودتر یا دیرتر از سن مشخص شده رخ دهد؛ ولی این مسئله به ندرت اتفاق می‌افتد. بنابراین سن به عنوان یک معیار غالبی معیار مناسبی است که جنبه تقنین نیز در آن وجود دارد؛ اما باید توجه داشت کارشناسان و قضات در احراز و اثبات آن افزون بر سن، معیارهای دیگری نیز در نظر بگیرند.

۲-۱. ضابطه شناختی

تحقق قوه ادراک در کودکان اختصاص به سن معینی ندارد، بلکه به شخصیت، استعداد و ادراک آنها بستگی دارد؛ یعنی کودکانی که از ادراک و استعداد بالاتری برخوردارند، زودتر ممییز می‌شوند و همچنین موارد آن مختلف است (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲هـ، ج ۲، ص ۲۰). بنابراین در طلاق، عتق، وصیت و صدقه که در مورد آنها به درجه بالایی از فهم نیاز است، با رسیدن به سن ده سالگی و بالاتر مرحله تمییز آغاز می‌گردد؛ ولی در نماز این گونه نیست؛ زیرا برای بعضی از افراد صرف انجام آن کفایت می‌کند؛ به همین دلیل رسیدن به هفت سالگی و حتی کمتر از آن نیز کافی است (انصاری شیرازی، ۱۴۲۹هـ، ج ۶، ص ۱۱۰۳).

به عبارت دیگر قوه تشخیص کودک در برابر اموری که در زندگی اجتماعی با آن برخورد می‌کند، مختلف است (رضایی زارچی، ۱۳۹۰هـ.ش، ص ۲۲)؛ چنان‌که کودک سود و زیان و آثار و احکام بعضی از آنها را در سن پایین‌تر درک می‌کند، مانند قبح بسیاری از اعمال کیفری از قبیل سرقت، قتل، جرح، ضرب و امثال آن و بعضی امور دیگر را در سن بالاتر می‌فهمد، مانند عقود و ایقاعات. صغیر در سن پایین‌تر می‌تواند مقتضا و آثار بیع و هبه را درک کند که واگذاری مال با عوض یا بدون عوض است؛ ولی در آن سن نمی‌تواند مقتضای نکاح و طلاق و آثار آنها را متوجه شود. همچنین قوه تشخیص صغار در سن معین متفاوت است (خمینی، ۱۴۲۶هـ، ص ۲۴)؛ ممکن است بعضی در سن معین، چیزی را تشخیص دهند و سود، زیان، آثار و احکام آن را بفهمند؛ ولی بعضی دیگر در همان سن آن را درک نکنند. بنابراین ممکن است کودک درباره امری ممیز باشد و در برابر امر دیگری غیرممیز یا کودک صغیری چیزی را تمیز دهد و دیگری در همان سن از تمیز آن محروم باشد (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳هـ، ج ۱۹، ص ۱۶۰).

کاشف الغطاء ذیل مؤاخذه صبیان می‌گوید: در باب صبی ممیز روایات مختلف است؛ دسته‌ای از روایات به سن اشاره دارد و سنین پنج، شش، هفت و هشت سالگی در روایات وارد شده است. دسته دیگر از روایات به مراقب بودن و توانایی کودک اشاره دارد. اختلاف اخبار در بیان سن کودک که او را برای انجام نماز مؤاخذه می‌نمایند، مبتنی بر ادراک بالا و قوت معرفت و یا ضعف اوست (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲هـ، ج ۲، ص ۲۰). محققان دیگر نیز به این نکته تأکید دارند (انصاری شیرازی، ۱۴۲۹هـ، ج ۶، ص ۱۱۰۳؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳هـ، ج ۱۹، ص ۱۶۰).

ماده ۹۴۳ «مجله الاحکام» مقرر می‌دارد: «صغیر غیرممیز کودکی است که مفهوم خرید و فروش را درک نمی‌کند». نویسنده در الاحکام می‌گوید: «صغیر غیرممیز درک نمی‌کند

که فروختن سلب ملکیت است و خریدن جلب ملکیت است. او بین غبن فاحش آشکار و غبن ناچیز تفاوتی نمی بیند» (مرداوی، [بی تا]، ج ۹، ص ۴۳۰). در مقابل کودکی را که چنین تمییزی داشته باشد، صبی ممیز می گویند؛ بر این اساس صغیر یا غیرممیز یا ممیز و صغیر ممیز مفهوم ملکیت را می فهمد و می داند که بایع با فروش مبیع از خود سلب ملکیت می کند و مشتری با خرید آن، مالک مبیع می شود. چنین کودکی سود و زیان رادرك می کند و ضرر زیاد و کم را تشخیص می دهد. اینکه گفته می شود تفاوت بین غبن فاحش و غبن یسیر را می فهمد، کنایه از این عاقل بودن اوست (افندی، ۱۴۰۱هـ، ج ۲، ص ۶۵۴). در کلمات فقیهان حنفی همین ملاک نشانه تمییز معرفی شده است (مرداوی، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۹۶). حنفیه نیز معیار سنی را بیان کرده اند (جزیری، ۱۴۲۴هـ، ج ۲، ص ۳۱۳).

۳-۱. معیار جسمی (قدرت و طاقت کودک)

از دیگر معیارهایی که برای صحت عمل صبی ممیز در نظر گرفته شده است، قدرت و توانایی صبی بر انجام عمل است. هر کاری مستلزم نوعی توانایی است و چنانچه این توانایی نباشد، انجام آن عمل محال است تا جایی که حتی انسان بالغ هم زمانی مکلف محسوب می شود که قدرت داشته باشد؛ چرا که قدرت شرط تکلیف است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹هـ، ج ۲، ص ۶۳۰). اما محل بحث آن دسته از افعالی است که انجام آنها برای نوع انسان ها مشقت آور است چه برسد به یک کودک؛ برای مثال روزه عملی مشقت آور است که انسان مکلف و توانا قادر به انجام آن است. به دلیل همین مشقت آوری، بسیاری از افراد مثل پیرمرد، پیرزن، تازه به بلوغ رسیده، ذوالعطاش، زن حامله و زن شیرده چنانچه نتوانند روزه بگیرند، معذور هستند (حائری، ۱۴۱۸هـ، ج ۵، ص ۴۰۲)؛ اما صبی اگر چنین توانایی را داشته باشد که روزه بگیرد، روزه او صحیح است. روایاتی نیز بر این

مطلب دلالت دارد؛ از جمله «به همان اندازه که بتوانند، روزه بگیرند و اگر عطش بر آنان غالب شد، افطار کنند» (کلینی، ۱۴۰۷هـ، ج ۴، ص ۱۲۵).

اشکال اینجا آن است که از چه روی توانایی و طاقت کودک به صبی ممیز ارتباط پیدا می‌کند؟ درحالی‌که در روایات اشاره به تمییز نشده است. پاسخ آن است که صبی غیرممیز چنین قدرت و توانایی را ندارد. این کودک حتی امور مربوط به خودش مثل غذا خوردن را به تنهایی نمی‌تواند انجام دهد؛ بنابراین معلوم می‌شود که صبی ممیز مدنظر است (نجفی، ۱۴۰۴هـ، ج ۱۶، ص ۳۴۸). در کلمات فقیهان اهل سنت به ملاک قدرت بدنی نیز اشاره شده است (ذهبی، ۱۴۲۷هـ، ج ۵، ص ۴۹۱).

۴-۱. معیار صحت عمل

یکی دیگر از معیارهای مشخص شده برای تمییز آن است که صبی بتواند عمل را به درستی انجام دهد. منظور از درستی و صحت عمل آن است که هر عملی واجد شرایط و ارکانی است و در صورتی محقق می‌شود که آن شرایط و ارکان محقق شود. چنانچه کودک عملی را انجام دهد که واجد شرایط و ارکانش باشد، عمل انجام گرفته صحیح است و چنانچه عمل صادر شده بدون شرایط باشد، عمل نیز صحیح نخواهد بود (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۹هـ، ص ۲۳۷)؛ برای مثال در مورد طلاق صبی گفته شده است اگر به درستی انجام دهد، طلاق انجام گرفته صحیح خواهد بود. در روایت آمده است: «اگر توانایی ذبح را داشته باشد و ذبح را با شرایطش انجام دهد و نام خداوند متعال را ببرد، پس بخورید [حلال است]» (کلینی، ۱۴۰۷هـ، ج ۶، ص ۲۳۷) یا وارد شده است: «چنانچه طبق موازین سنت طلاق دهد و صدقه و زکات را در جای خود و به حق مصرف کند و به مستحق آن برساند، اشکالی ندارد و جایز است» (طوسی، ۱۳۹۰هـ، ج ۳، ص ۳۰۳). در این روایت طلاق و صدقه

منوط به انجام دادن درست آن است و اگر طلاق بر اساس سنت انجام شود و صدقه در محل خودش خرج شود، از صبی صحیح خواهد بود.

علامه می نویسد: «در ذبح کننده، اسلام شرط است یا در حکم آن مثل کودک» (علامه حلی، ۱۴۲۰هـ، ج ۴، ص ۶۲۲). شهید اول نیز ذبح صبی را حلال می داند: «حیوانی که صبی ممیز ذبح می کند، حلال است» (عاملی، ۱۴۱۰هـ، ص ۲۳۲)؛ اما حلال بودن آن مشروط به انجام دادن صحیح آن است؛ محقق می نویسد: «زن مسلمان و بچه مسلمان که طفل است اگر ذبح را به درستی انجام دهد، صحیح است» (حلی، ۱۴۰۸هـ، ج ۳، ص ۱۵۹). در طلاق نیز گفته شده است اگر صبی ممیز که به سن ده سالگی برسد و بتواند طلاق را به درستی انجام دهد، طلاق او صحیح خواهد بود (ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶هـ، ج ۲، ص ۲۸۸).

۵-۱. معیار قربی به بلوغ (مراهق)

یکی دیگر از معیارهای تمییز که در روایات و فتاوا بیان شده است، مراهق بودن کودک است. مراهق کودکی است که نزدیک به سن بلوغ است و تا بلوغ او مقدار زمانی باقی است. گاهی کودکی را که سه تا دو سال به بلوغ دارد، مراهق گویند (طوسی، ۱۳۸۷هـ، ج ۱، ص ۳۹۰). در روایات و فتاوا به کودکی که به ده سالگی رسیده باشد یا نزدیک به مرحله احتلام است یا کودکی که رشد عقلی او بیش از سنش است، مراهق اطلاق شده است (همدانی، ۱۳۹۵هـ.ش، ص ۶۳۱). در روایت وارد شده است: «کودک هرگاه مراهق گردد [یعنی نزدیک بلوغ شود]، از باب تأدیب وادار به روزه می شود؛ ولی بر او روزه واجب نیست» (کلینی، ۱۴۰۷هـ، ج ۴، ص ۸۶). صاحب مدارک ذیل روایت فوق می نویسد: «این قسم موسوم به روزه تأدیبی است و آن روزه ای است که در بخشی از روز از مفطرات روزه اجتناب می شود از باب استحباب تا خود را شبیه روزه داران کند» (عاملی، ۱۴۱۱هـ، ج ۶، ص ۲۷۳). نکته مهم درباره مراهق بودن آن است

که تمییز صبی ممکن است زودتر از مراهق بودن رخ داده باشد؛ بنابراین چه بسا مراهق بودن دلیل بر سبق تمییز است. چنانچه در معنای آیه «کودکانی که بر امور جنسی زنان آگاه نیستند» (نور: ۲۴: ۳۱)، شیخ در تبیان می‌گوید: «کودکانی که مراهق نیستند، در این صورت آشکارکردن زینت برای آنان جایز است» (طوسی، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۴۳۰). علامت مراهقه در لسان برخی از فقیهان اهل سنت نیز بیان شده است؛ شافعی وصیت صبی را در «وجوه خیر» صحیح می‌داند و مستند وی روایتی از عمر است (غیتابی، ۱۴۲۰هـ، ج ۱۳، ص ۴۰۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵هـ، ج ۲، ص ۱۵۷). همچنین از اسحاق بن منصور نقل شده است که اذان صبی مراهق صحیح است؛ سپس توضیح می‌دهد: مراهق کسی است که از هفت سالگی تجاوز کرده و همان زمان است که امر به نماز می‌شود (حنبل، ۱۴۳۰هـ، ج ۵، ص ۵۵۱).

۲. معیار تمییز در قوانین موضوعه

الف) ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴

ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴ مقرر می‌دارد: «اطفال غیرممیز را نمی‌توان جزائاً محکوم نمود. در امور جزایی هر طفل که دوازده سال تمام نداشته باشد، حکم غیرممیز را دارد». از نوآوری‌های این قانون، تعیین سن برای تمییز است؛ بر اساس این ماده، اطفال زیر دوازده سال غیرممیز محسوب می‌شوند، البته این قانون از قوانین نسخ شده است.

ب) ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی

ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط به اموال و حقوق مالی او باشد، باطل و بلااثر است؛ معذالک صغیر ممیز می‌تواند تملک با عوض کند، مثل قبول هبه و صلح بلاعوض و حیازت مباحات». مسئولیت و فقدان مسئولیت

صبی بنا به تمییز، از همین ماده دریافت شدنی است. بر اساس ماده ۱۲۰۷ تمامی اعمال صبی غیرممیز بدون اثر است؛ ولی در ماده ۱۲۱۲ به استثناء اعمال صبی ممیز در صورتی که بدون عوض باشد، واجد اثر دانسته شده است. افزون بر این در ماده ۱۲۱۵ نیز آمده است: «هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیرممیز و یا مجنون بدهد، صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود». در این قانون ملاکی برای تمییز ارائه نشده است. پیرو قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ حداقل سن کیفری شش سال معین شده است. بر اساس ماده ۴ این قانون، کودکان زیر شش سال قابل تعقیب کیفری نیستند، ماده ۳۴ قانون سابق اطفال زیر دوازده سال را غیرممیز فرض می‌کند و بدون مسئولیت تشخیص داده است؛ اما این قانون مسئولیت را به سن شش سال تقلیل داده است. بنابراین نوعی تعارض میان این دو قانون وجود دارد و به دلیل تأخر قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار همان ملاک عمل واقع شده است. بر اساس ماده ۱۴ این قانون، اطفال به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. اطفال زیر شش سال که فاقد مسئولیت کیفری هستند. ۲. اطفالی که سن آنها بین شش سال تا دوازده سال تمام است؛ چنانچه مرتکب جرمی شوند، به اولیا یا سرپرست وی تسلیم می‌شوند. ۳. اطفالی که سن آنها بین دوازده تا هجده سال است و در صورت ارتکاب جرم، ضمانت اجرایی مثل نصیحت و سرزنش قاضی، اعزام به کانون اصلاح و تربیت، یا تسلیم به اولیا و اخذ تعهد وجود دارد (فتح‌اللهی، ۱۳۹۵ ه.ش، ص ۶۷).

ج) ماده ۳۶ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ ش

بر اساس ماده ۳۶ این قانون، مرتکب جرم به دو دسته تقسیم می‌شود؛ دسته اول: اشخاص فاقد شعور یا دارای اختلال تام در قوه تمییز یا اراده؛ دسته دوم: مرتکبی که دارای

اختلال نسبی شعور یا قوه تمیز و اراده است. هرکدام با توجه به میزان تمیز و شعور، پاسخ متناسب جزایی را دریافت خواهد کرد. بر اساس این ماده، ملاک تمیز یک ملاک شناختی است، البته کیفیت تشخیص تمیز در این ماده عنوان نشده است (صالحی دوغانی، ۱۳۹۸ ه.ش، ص ۱۸ - ۲۹). افزون بر اینکه این قانون نسخ شده است.

بازتاب تمیز در قوانین کیفری بعد از انقلاب اسلامی نیز وجود داشت. بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ (ماده ۲۶) و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ (ماده ۴۹)، کودکان بدون مسئولیت کیفری تشخیص داده شده‌اند. بر اساس همین قانون، دوران کودکی به دو دوره تقسیم می‌شود و رویه جاری بر اساس این دو، تعیین سن هفت سال بوده است. این دو دوره عبارت است از: ۱. دوره فقدان تمیز و عدم مسئولیت کیفری مطلق که از تولد طفل تا پایان هفت سالگی ادامه دارد؛ ۲. دوران تمیز و مسئولیت کیفری نسبی که شروع آن بعد از هفت سالگی است. در واقع سن هفت سالگی اماره‌ای بر تمیز کودک در نظر گرفته می‌شد (اردبیلی، ۱۴۰۱ ه.ش، ج ۲، ص ۱۶۵).

در حال حاضر قانون مدنی جز در مواردی که منسوخ شده است، همان مبنای سابق را دارد؛ بنابراین ماده ۱۲۱۲ و ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی باقی است؛ ولی دو ماده ۱۲۰۹ و ۱۲۱۰ دستخوش تغییر شده است. ماده ۱۲۰۹ به کلی نسخ شده است و ماده ۱۲۱۰ نیز اصلاح شده است. موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ - بدون اشاره به سن تمیز - به تمیز اشاره دارد. ماده ۱۷۹ این قانون مقرر می‌دارد: «هرگاه شاهد در زمان تحمل شهادت غیربالغ ممیز باشد، اما در زمان ادای شهادت به سن بلوغ برسد، شهادت او معتبر است». در ماده ۲۷۲ می‌گوید: «هرگاه کسی مال را توسط مجنون یا طفل غیرممیز ... از حرز خارج کند، مباشر محسوب می‌شود و در صورتی که مباشر طفل ممیز باشد، رفتار آمر حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های

تعزیری است». تبصره ۲ ماده ۳۷۵ این قانون، ماده ۸۶ قانون امور حسبی و قوانین دیگر، از تمییز و صبی ممیز سخن به میان آمده است.

د) ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ش

بر اساس ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، هرگاه بالغین زیر هجده سال از درک ماهیت جرم و حرمت آن عاجز باشند و در رشد و کمال عقل آنان شبهه باشد، در صورت ارتکاب جرم موجب حد و قصاص، مجازات آنان به مجازات مقرر در موارد ۸۸ و ۹۸ این قانون تبدیل می شود. متن ابتدایی ماده ۹۱ در لایحه تقدیمی قوه قضائیه به کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس بدین شرح است:

در ماده ۴-۱۴۱ این لایحه آمده است: «در جرایم موجب حد هرگاه اطفال بالغ ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنها شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات های پیش بینی شده در قانون رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان محکوم خواهند شد». این ماده دو تبصره نیز دارد؛ تبصره یک می گوید: «دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می تواند از نظر پزشکی قانون یا از هر طریق دیگری که مقتضی بداند، استفاده کند».

متن ابتدایی ماده با اشکال هایی مواجه بود؛ اول: در این لایحه فقط جرایم موجب حد ذکر شده است؛ دوم: دو کلمه «اطفال» و «بالغ» کنار هم قرار گرفته اند و بین این دو واژه تنافی وجود دارد؛ بنابراین در متن اصلاحیه کمیسیون جرایم موجب قصاص نیز در ماده درج شده و عبارت «اطفال بالغ» حذف و به جای آن «بالغ کمتر از ۱۸ سال ذکر شد»؛ افزون بر اینکه تقسیم های مربوط به «نابالغ غیر ممیز»، «نابالغ ممیز» و «بالغ: اطفال زیر ۱۸ سال» حذف شده است. بر اساس ماده ۱-۱۴۱ این لایحه، معیار سنی هفت سال برای تمییز

عنوان شده است. ماده ۱-۱۴۱ این لایحه چنین بود: «منظور از طفل در این قانون کسی است که به سن هجده سال تمام خورشیدی نرسیده باشد. اطفال به سه دسته تقسیم می شوند:

* نابالغ غیرممیز: به اطفالی اطلاق می شود که به سن هفت سال تمام نرسیده باشند.

* نابالغ ممیز: به اطفال دارای هفت سال تمام اطلاق می شود که به سن بلوغ نرسیده باشند.

* بالغ به اطفالی اطلاق می شود که به سن بلوغ رسیده و کمتر از هجده سال تمام می باشند». در نهایت بعد از ارسال به شورای نگهبان، فقط شماره ماده آن از (۹۰) به (۹۱) منتقل شد؛ در نتیجه متن ماده به شکل نهایی تصویب گردید (الهام و برهانی، ۱۴۰۱ هـ.ش، ج ۱، ص ۲۸۹). قانون گذار در ماده ۹۱ قانون مجازات سه معیار «عدم درک ماهیت جرم»، «عدم درک حرمت جرم انجام شده» و «وجود شبهه در رشد و کمال عقل مرتکب» را عنوان کرده است که به نظر می رسد رابطه طولی بین این سه معیار وجود دارد. این ماده به نوعی به معیار شناختی اشاره دارد؛ بر این اساس درک ماهیت مادی عمل به درک ماهیت جرم برمی گردد. درک حرمت جرم به درک حسن و قبح بازگشت دارد که زمینه ممنوعیت را فراهم می کند. صبی ممیز این مرحله از ادراک را داراست؛ همچنین قدرت درک حسن و قبح امور را دارد؛ یعنی هم قابلیت فهم موضوع و هم قابلیت فهم خطاب را دارد؛ بنابراین امکان تحقق اراده طبیعی نزد او وجود دارد (نووی، ۱۴۰۸ هـ.ش، ص ۱۵۳). بعید نیست گفته شود که می تواند قصد سرقت کند یا ایراد جرح کند؛ با این همه تا به مرحله سوم نرسد، اراده او اعتباری ندارد. کودک ممیز می تواند سوءنیت داشته باشد؛ ولی تا زمانی که به مرحله سوم نرسد، سوءنیت او اعتباری ندارد. از همین جا تفاوت طفل ممیز و غیرممیز مشخص می شود؛ زیرا درباره طفل غیرممیز عمد طبیعی شکل نمی گیرد؛ چون نه قابلیت تشخیص موضوع را دارد و نه حکم؛ از این رو نمی تواند سوءنیت یا خطای جزایی داشته باشد و به عبارت دیگر اهلیت جرمی ندارد و در سطح حیوان بوده و از شمول قانون بیرون است. برعکس او طفل ممیز

عمد طبیعی و اهلیت دارد؛ ولی اراده او از نظر حقوق جزا معتبر نیست؛ به عبارت دیگر عمد دارد، ولی اعتبار ندارد. از همین رو فقیهان گفته‌اند «عمده خطا»، گرچه سوءنیت دارد، ولی اعتبار ندارد و آثار بر آن مترتب نمی‌شود (آثار کیفری مترتب نمی‌شود، ولی آثار مدنی و اخلاقی ممکن است) (میرسعیدی، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۷۰).

نتیجه

نتایج این پژوهش بدین ترتیب است:

۱. فقیهان برای تمییز آثار و برای افعال صبی ممیز احکامی را برشمرده‌اند؛ اما بحث از آثار تمییز و افعال صبی ممیز منوط به شناخت حدود و ضوابط تمییز است. فقیهان عامه و خاصه ضوابط و معیارهای مختلفی برای تمییز عنوان کرده‌اند؛ از جمله این ملاک‌ها، معیار سنی و شناختی است.

۲. در فقه عامه بیشتر سن هفت سال را آغاز سن تمییز می‌دانند و همین مبنا در قوانین برخی کشورها از جمله قانون مدنی مصر مبنا قرار گرفته است. فقیهان امامیه برای صبی ممیز سن خاصی مشخص نکرده‌اند؛ اما با توجه به برداشت آنان در ابواب مختلف فقه، سنین بین هفت تا ده سال را برای تمییز ذکر کرده‌اند. اختلاف در سن از نظر آنان با توجه به ابواب مختلف فقهی است؛ زیرا در ابواب عبادات هفت سال و در برخی از معاملات (به معنای اعم) که صدور آنان از صبی ممیز صحیح است، سن ده سال ملاک است.

۳. یکی از معیارهای اساسی تمییز، معیار شناختی است؛ از این رو آنچه ملاک تمییز است، میزان فهم و درک او از وقایع و امور است. بنابراین کودکی که بتواند سود و زیان را تشخیص دهد و حسن و قبح اعمال را گرچه به صورت نسبی و سطحی متوجه گردد، به تمییز رسیده است.

۳. افزون بر دو معیار سنی و شناختی، از معیار درستی و صحت عمل، مراقب بودن کودک و طاقت و توانایی کودک نیز سخن به میان می‌آید. بر اساس اینکه برخی از اعمال زمانی صحیح است که به درستی انجام شود، اگر کودکی بتواند طلاق را انجام دهد یا ذبح را صحیح انجام دهد، بنا بر قول برخی فقیهان، طلاق و ذبح او صحیح است. همچنین در برخی اعمال مثل روزه، حج و ذبح، توانایی و قدرت جسمی کودک نیز ملاک است و چون کودکی که نزدیک به بلوغ است، واجد چنین توانایی می‌باشد، مراقب بودن نیز عنوان شده است؛ از این رو فقیهان درباره عبادات صبی ممیز به شرعیت و صحت قائل شده‌اند؛ چراکه توانایی یادگیری و انجام این اعمال را دارد. اما در معاملات از آن رو که جنبه شناختی در مراحل ابتدایی است، برخی فقیهان به طور مطلق و برخی به استقلال معاملات او را باطل دانسته‌اند؛ با این وجود اگر کودک چنین توانایی را داشته باشد - گرچه به ضمیمه اذن ولی - معاملات او نیز بی‌اشکال است و اثباتاً نیز در برخی ابواب، فقیهان قائل به صحت اعمال صادر شده از کودک ممیز شده‌اند.

۴. عنوان تمییز در قوانین قبل از انقلاب و بعد از انقلاب مشاهده می‌شود. در ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴) سن دوازده و ماده ۴ قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ سن شش سال برای سن تمییز ذکر شده است. در قوانین بعد از انقلاب، معیار سنی حذف و ملاک آن معیار شناختی است. در حال حاضر مستفاد از ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی می‌توان گفت سه معیار «درک ماهیت جرم»، «درک حرمت جرم» و «شبهه در رشد و کمال عقل» ذکر شده است. بنابراین - برخلاف اطفال غیرممیز - اطفال ممیز افزون بر درک ماهیت افعال خود، حسن و قبح امور را درک می‌کنند؛ ولی به دلیل اینکه شرع بلوغ را سرآغاز تکلیف قرار داده است، همچنین به دلیل آنکه درک و شناخت آنان در مراحل اولیه و ابتدایی قرار دارد (تمییز ناقص)، از توجه تکالیف به اطفال

مبرا دانسته است؛ از این رو عبادات بر او واجب نیست، معاملات او نافذ نیست و حدود بر او جاری نمی‌شود.

در نتیجه از میان معیارهای مختلفی که برای تمییز ذکر شده است، معیار اساسی «معیار شناختی» است که بر اساس آن درک و فهم کودک از وقایع مورد سنجش قرار می‌گیرد؛ اما از آن رو که اولاً چنین درکی به حسب کودکان مختلف است، ثانیاً قانون‌گذاری در این باره اقتضا دارد - مانند بلوغ - یک معیار غالبی ارائه گردد، با توجه به این دو نکته و نیز جنبه تطبیقی بحث و روایات موجود می‌توان گفت در عبادات، سن هفت سال اماره غالبی برای سن تمییز است؛ در معاملاتی که گاهی فقیهان حکم به صحت داده‌اند، ده سال معیار خواهد بود. بنابراین در کنار معیار شناختی، وجود دیگر معیارها از جمله معیار سنی و معیار جسمی (قدرت و توانایی کودک) نیز باید ملاحظه گردد.

کتاب‌نامه

- ابن براج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز. (۱۴۰۶ هـ). المذهب (لابن البراج). چ ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن حنبل، احمد. (۱۴۳۰ هـ). الجامع لعلوم الإمام أحمد - الفقه. چ ۱. جمهورية مصر العربية: دار الفلاح للبحث العلمي وتحقیق التراث.
- ابن عابدین، محمد بن عمر. [بی تا]. قرة العین الخیار لتکملة رد المحتار علی الدر المختار شرح تنویر الأبصار. بیروت: دار الفکر.
- ابولحیة، نورالدین. [بی تا]. حقوق الأولاد النفسیة و الصحیة. بیروت: دار الأنوار.
- اردبیلی، محمد علی. (۱۴۰۱ هـ. ش). حقوق جزای عمومی. تهران: نشر میزان.
- أفندی، علی حیدر. (۱۴۰۱ هـ). درر الاحکام شرح مجلة الاحکام. چ ۱. بیروت: دار جیل.

- آلوسی، شهاب‌الدین. (۱۴۱۵ هـ). روح المعانی. ج ۱. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- انصاری شیرازی، قدرت‌الله؛ و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار. (۱۴۲۹ هـ). موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها. ج ۱. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- بهوتی، منصور بن یونس. [بی تا]. کشف القناع عن متن الاقناع. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- جزیری، عبدالرحمان بن حمد عوض. (۱۴۲۴ هـ). الفقه على المذاهب الاربعه. ج ۲. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- جمعی از پژوهشگران. (۱۴۲۳ هـ). موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت (ع). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- حائری، سیدعلی بن محمد. (۱۴۱۸ هـ). ریاض المسائل (ط - الحديث). ج ۱. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حلّی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ هـ). شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام. ج ۲. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- حلّی، مقداد بن عبدالله سیوری. (۱۴۰۳ هـ). نضد القواعد الفقهیة علی مذهب الإمامیة. ج ۱. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره).
- خمینی، سیدروح الله. (۱۴۲۶ هـ). توضیح المسائل (امام خمینی). ج ۱. [بی جا]: [بی نا].
- ذهبی، شمس‌الدین. (۱۴۲۷ هـ). سیر اعلام النبلاء. قاهرة: دار الحديث.
- رضایی زارچی، الهام. (۱۳۹۰ هـ. ش). «بررسی فقهی افعال صبی ممیز بر اساس آرای شیخ طوسی و امام خمینی». پایان نامه ارشد. رشته فقه و حقوق اسلامی. دانشگاه یزد.
- الرُّحَیْلِی، وَهْبَةُ بن مصطفى. (۱۴۰۹ هـ). الفِقهُ الإسلاميُّ وأدَلَّتُهُ. ج ۴. سوریه: دار الفكر.
- سرخسی، محمد بن احمد. (۱۴۱۴ هـ). المبسوط. بیروت: دار المعرفة.
- سلار دیلمی، حمزة بن عبدالعزيز. (۱۴۰۴ هـ). المراسم العلویة والأحكام النبویة. ج ۱. قم: منشورات الحرمین.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر. (۱۴۲۹ هـ). دلیل تحریر الوسيلة - أحكام الأسرة. ج ۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- شافعی، محمد بن ادريس. (۱۴۱۰ هـ). الأم. بیروت: دار المعرفة.

- شربینی، محمد بن خطیب. [بی تا]. مغنی المحتاج الى معرفة معنای الفاظ المنهاج. بیروت: دارالمعرفة.
- صالحی دوغائی، مصطفی. (۱۳۹۸ ه.ش). «ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی در سنجه مبانی و اجرا». پایان نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق. دانشگاه امام صادق (ع).
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹ ه). العروة الوثقی (المحشی). چ ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ ه). المبسوط في فقه الإمامية. چ ۳. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- _____ (۱۳۹۰ ه). الاستبصار فيما اختلف من الأخبار. چ ۱. تهران: دار الكتب الإسلامية.
- _____ (۱۴۰۰ ه). النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى. چ ۲. بیروت: دار الكتاب العربي.
- _____ (۱۴۰۷ ه). الخلاف. چ ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ [بی تا]. التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: احیاء التراث العربی.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی. (۱۴۱۰ ه). اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية. چ ۱. بیروت: دار التراث - الدار الإسلامية.
- عاملی، محمد بن علی موسوی. (۱۴۱۱ ه). نهاية المرام في شرح مختصر شرائع الإسلام. چ ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۳ ه). مختلف الشيعة في أحكام الشريعة. چ ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۴۱۴ ه). تذكرة الفقهاء (ط - الحديث). چ ۱. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- _____ (۱۴۲۰ ه). تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط - الحديث). چ ۱. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- غیتابی حنفی، محمود بن احمد. (۱۴۲۰ ه). البناية شرح الهداية. چ ۱. بیروت: دار الكتب العلمية.

فتح‌اللهی، زهرا. (۱۳۹۵ ه.ش). «تبیین ماهیت رشد و تمییز و احکام آن در فقه فریقین و حقوق موضوعه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی. دانشگاه قم.
فخرالمحققین حلی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ ه.ش). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. چ ۱. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۸۴ ه.ش). الجامع لأحكام القرآن للقرطبي. چ ۲. قاهره: دارالکتب المصریه.
کاشف الغطاء، جعفر بن خضر. (۱۴۲۲ ه.ش). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط - الحديثه).
چ ۱. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ه.ش). الکافی (ط - الإسلامية). چ ۴. تهران: دارالکتب الإسلامية.
مرداوی، علی بن سلیمان. [بی‌تا]. الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف. چ ۲. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

میرسعیدی، منصور. (۱۳۸۳ ه.ش). مسئولیت کیفری؛ قلمرو و ارکان. چ ۴. تهران: نشر میزان.
نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ ه.ش). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. چ ۷. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
نووی، یحیی بن شرف. (۱۴۰۸ ه.ش). تحریر التنبيه. چ ۱. دمشق: دار القلم.
_____ (۱۴۱۲ ه.ش). روضة الطالبین. بیروت: المکتب الاسلامی.

_____ (۲۰۰۵ م). المجموع شرح المهدّب. [بی‌جا]: بیت الافکار الدولیه.
الهام، غلامحسین؛ و محسن برهانی. (۱۴۰۱ ه.ش). درآمدی بر حقوق جزای عمومی. چ ۷. تهران: نشر میزان.
همدانی، مصطفی. (۱۳۹۵ ه.ش). «کیفر اخروی کودک مراهم در تجاوز به حقوق و اموال دیگران»، پژوهش‌های فقهی. دوره ۱۲. ش ۳. ص ۶۳۱ - ۶۶۲.